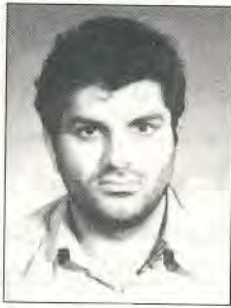




## گزارشی از نسخه‌های خطی یمن

حسن انصاری قمی



است و دز این میان به‌ویژه می‌بایست به کوششهای استاد عبدالله الحبحشی و استاد عبدالسلام عباس الوجیه اشاره کرد. از نسخه‌های خطی بسیاری از کتابخانه‌های یمن، نه تنها تاکنون شناسایی دقیقی صورت نگرفته، بلکه حتی آماري نیز از شمار نسخه‌ها در دست نیست؛ سراغ هر کتابخانه عمومی را که در یمن می‌گیریم، گفته می‌شود حدود ده هزار عنوان نسخه خطی را در خود نگاه می‌دارد و عموماً گفته می‌شود دهها هزار نسخه خطی در سرتاسر یمن موجود است، اما این همه صرفاً تخمینهای اولیه است و با توجه به شرایط فرهنگی و اقتصادی یمن هم اکنون نمی‌توان از چند و چون نسخه‌های خطی این کشور، چه از لحاظ تعداد و چه از لحاظ هویت آنها اطلاعات دقیقی عرضه کرد. مهمترین کتابخانه‌های یمن، بی‌تردید دو کتابخانه جامع کبیر (شرقیه و غربیه) است و این البته نه صرفاً به دلیل اشمال آن دو بر کتابخانه‌های متوکلیه و امام یحیی است که هر دو به دلیل انتساب به امامان و حکومت (زیدی) طبعاً شامل نسخه‌های نادر و نفیس است، بلکه همچنین به این دلیل که این دو کتابخانه شامل نسخه‌های خطی زیدی و معتزلی است که از قرون گذشته در اختیار امامان زیدی بوده و برای ائمه متأخرتر به میراث رسیده بوده است و از اینرو می‌توان در همین جامع کبیر تقریباً با بیشتر میراث زیدیه آشنا شد. البته این بدین معنا نیست که در سایر کتابخانه‌های یمن نسخه‌هایی به قدمت نسخه‌های جامع کبیر یافت نشود، بلکه بویژه در کتابخانه‌های خصوصی صنعاء، صعده و ضحیان... نسخه‌هایی بسیار نفیس و کهنه دیده می‌شود که به واقع کم‌نظیر است و شاید در هیچ یک از کتابخانه‌های خصوصی دنیای اسلام نتوان همانند کتابخانه‌های خصوصی یمن، نسخه‌های نفیس و کهنه یافت. آنچه بسیار نظرم را جلب می‌کرد، همین بود که در بسیاری از کتابخانه‌های خصوصی یمن که متعلق

در آبانماه سال ۷۹ فرصتی دست داد که از کشور یمن دیدار کنم؛ گرچه مدت سفر نسبتاً کوتاه بود ولی خوشبختانه این توفیق را داشتیم که افزون بر کتابخانه‌های جامع کبیر صنعاء (غربیه و اوقاف) و دارالمخطوطات (در دو بخش ساختمان مرکزی دارالمخطوطات، با برخی کتابخانه‌های خصوصی صنعاء از نزدیک آشنا شوم و نسخه‌های خطی ارزشمند و کهن این کتابخانه‌ها را مورد بررسی قرار دهم. خوشبختانه در همین فرصت توانستم فهرستی از برخی نسخ خطی این کتابخانه‌ها را فراهم کنم. اینجانب حدود چهارده سالی است که درباره زیدیه مطالعاتی را آغاز کرده‌ام ولی همواره عدم دستیابی به مخطوطات مورد نیاز زیدی یمنی و یا مخطوطات زیدی موجود در کشورهای غربی، من را از انتشار این مطالعات باز داشته است؛ گرچه در داخل کشور برخی از کتابخانه‌های شماری اندک از نسخه‌های خطی زیدی را نگهداری می‌کنند و یکی دو کتابخانه نیز در کوششهایی نه چندان مستمر، عکس برخی نسخه‌های خطی زیدی را از یمن و یا کتابخانه‌هایی همچون آمبروزیانا و ایتیکان منتقل کرده‌اند.

یمن کشوری است که گنجینه‌های بی شماری از میراث اسلامی را در خود دارد؛ نسخه‌های خطی زیدی و یا غیر زیدی در زمینه‌های مختلف علوم و فنون اسلامی در کتابخانه‌های خصوصی و عمومی یمن موجود است و متأسفانه جز اندکی از این مجموعه سترگ، تاکنون حتی شناسایی و یا فهرست نشده است؛ در صنعاء، صعده، زبید، عدن، تعز، حضرموت و بسیاری شهرهای دیگر. البته کوششهایی توسط آکادمی یمن شناسایی فرانسه (در صنعاء) و دارالمخطوطات و حتی برخی محققین (و بصورت کاملاً شخصی و بدون مساعدت دولت) در جهت شناسایی و فهرست نویسی از مخطوطات زیدی و غیر زیدی یمن صورت گرفته و یا در حال انجام

به علما و دانشمندان یمنی است، نسخه‌های خطی کهنه‌ای از قرن‌های ۵ و ۶ ق دیده می‌شد که به ندرت می‌توان نظیر آن را در کتابخانه‌های عمومی و برجسته کشورمان یافت.

آنچه پیرامون این مجموعه بسیار گرانبها از نسخ خطی اسلامی یمن مایه تأسف می‌شود، عدم وجود اراده و همت لازم برای نگاهداری درست از این میراث گرانبها در یمن است؛ بطوری که متأسفانه به دلایل مذهبی و سیاسی سالهاست که بسیاری از نسخه‌های گرانبها و نفیس کتابخانه‌های یمن توسط برخی کشورهای اسلامی به تاراج می‌رود و در بسیاری موارد دیگر، به دلایل اقتصادی، این نسخه‌ها توسط مجموعه داران و یا وارثان آنان به دلالتان فرنگی فروخته می‌شود و البته اگر این قسم اخیر از نسخه‌های به تاراج رفته، سرنوشتی نگران کننده نداشته باشند و در کتابخانه‌های غربی گرد آیند (و طبیعتاً توسط همین کتابخانه‌ها شناسایی و فهرست شوند)، در مورد اول یعنی پروژه منتقل کردن مخطوطات شیعی و زیدی از یمن به برخی کشورها به دلایل مذهبی و ضد شیعی گرایانه نمی‌توان چنین مطمئن بود. به هر حال، یمن به دلایل خاص که در این جا مجال پرداختن به آن نیست، با خطر سلفی‌گری و یا به عبارت بهتر تشدید سلفی‌گری روبروست و زیدی‌یمن چند صد سالی است که با یک جریان سنی و سلفی و حتی وهابی روبروست و در واقع اندیشه زیدی دچار بحران سنی‌گرایی شده است، و در همین راستا متأسفانه زمینه برای فعالیت ضد شیعی و حتی نابود کردن میراث زیدی در یمن ایجاد شده است.

در دهه‌های گذشته نیز به دلایل گوناگون، مجموعه‌هایی از نسخ خطی یمن توسط اروپایی‌ها خریداری شده است؛ از جمله این دلایل، فقر و گرسنگی مردم در برخی دوره‌های بحرانی در تاریخ یمن را می‌توان یاد کرد: در سال ۱۹۰۵ م و در دوره حصار صنعاء مردم برای خرید طعام خود ناگزیر بودند نسخه‌های خطی شخصی خود را به بیگانگان بفروشند و در این میان تاجری از کشور ایتالیا (کابرتی) قریب ۱۶۱۰ نسخه خطی را بیشتر از همین طریق تهیه و از یمن خارج کرد.<sup>۱</sup>

خوشبختانه از بسیاری از نسخ خطی نفیس و نادر و برجسته یمن تاکنون توسط برخی مؤسسات اسلامی و عربی و از جمله معهد المخطوطات العربیة قاهره و اتحادیه عرب عکسبرداری شده و به هر حال امکان حفظ بخشی از این میراث گرانبها، گرچه به صورت میکروفیلم فراهم شده است، خاصه که معهد المخطوطات و یا مؤسسات مشابه در بسیاری موارد از نسخه‌های خطی

کتابخانه‌های خصوصی یمن که شاید هم اکنون بسیاری از آنها از میان رفته و یا به فروش رسیده است، میکروفیلم تهیه کرده بودند. از جمله کتابخانه‌هایی که معهد المخطوطات قاهره از نسخه‌های آنها عکسبرداری کرده است، می‌توان این کتابخانه‌ها را نام برد: مکتبه الاحقاف تریم، مسجد حریضه در حریضه، مکتبه عیدروس حبشی در غرفه، مکتبه الشعب مکلا، کتابخانه خصوصی محمد بن یحیی الحداد، کتابخانه خصوصی عبدالعزیز حبشی (هر دو در شهر «اب»)، المتحف الوطني للآثار تعز، مسجد الملک المظفر تعز، کتابخانه‌های خصوصی القاضی محمد بن علی الاکوع، ابراهیم بن عقیل، القاضی احمد بن محمد بن حسین المجاهد، مشرف بن عبدالکریم و عبدالرحمان بن حسین المتوکلی، همگی در تعز، المدرسه الشمسیة ذمار، کتابخانه‌های خصوصی القاضی احمد بن ابراهیم العیزی، القاضی محمد الحاجی، عبدالله محمد الوارث، همگی در ذمار، کتابخانه‌های خصوصی احمد بن عبدالقادر الاهدل، محمد بن عبدالقادر اهدل، عبدالقادر انباری، محمد عبدالجلیل الغزی و احمد بن محمد السالمی، همگی در زبید، کتابخانه جامع کبیر صنعاء (شرقیه)، جامع الروضة صنعاء، کتابخانه غربیه صنعاء (و نیز مجموعه بیت الوزير آن)، کتابخانه‌های خصوصی القاضی اسماعیل الاکوع، عبدالله الحبشی، محمد بن محمد بن اسماعیل المطهر و القاضی احمد بن محمد زیاره همگی در صنعاء.<sup>۲</sup>

### چگونگی انتقال میراث اسلامی به یمن

یمن افزون بر اینکه خود عالمان و دانشمندان بسیاری پرورده است که هر یک دارای آثار برجسته‌ای بوده و از جمله آنان باید عبدالرزاق صنعانی صاحب المصنّف را در قرن دوم قمری یاد کرد و همچنین می‌بایست از امامان زیدی و از همه برجسته‌تر، بنیانگذار دولت زیدی یمن یعنی الهادی الی الحق، یحیی بن الحسین (د ۲۹۸ ق) که آثار بسیار برجسته در علم کلام و فقه از خود به جای گذاشت، نام برد؛ از دیگر سو میزبان آثار بسیار گرانبهایی از دیگر نقاط جهان اسلام بوده است که حتی گاه امروزه ما صرفاً از طریق کتابخانه‌های یمن نسخه‌های خطی این آثار را در اختیار داریم و این کتابها در مواطن اصلی خود از میان رفته‌اند. در این میان کتب اشاعره بیشتر در سال ۵۷۵ ق به واسطه ایوبیان به یمن رسید و شافعیان جنوب یمن به واسطه آن مذهب اشعری را پذیرا شدند.<sup>۳</sup> زیدی به دلیل اعتقادات و آراء معتزلی خود (البته تا حدودی جز در مسئله امامت)<sup>۴</sup> در یمن میزبان بسیار مناسبی برای

آثار معتزلی (که در قرن های ۵ و ۶ ق در سایر نقاط جهان اسلام تدریجاً از میان می رفتند) بودند.<sup>۵</sup>

منصور بالله عبدالله بن حمزه (د ۶۱۴ق) از دانشمندان و امامان برجسته زیدیه، در جهت گردآوری میراث معتزله در یمن کوشش بسیار کرده است. وی در دنباله کار اسلاف خود از هیچ کوششی در جهت گردآوری و استنساخ کتب معتزله فروگذار نکرد. حتی گفته می شود که بیشتر آنچه از معتزله هم اینک در کتابخانه جامع کبیر صنعاء موجود است، به دوره المنصور بالله و کوششهای او مربوط می شود. پیش از او امام المتوکل علی الله احمد بن سلیمان (د ۵۶۶ ق) به این کار دست یازیده بود و در این راستا عالم نامدار زیدی قاضی جعفر بن احمد بن عبدالسلام (د ۵۷۳ ق) او را در انتقال میراث معتزلی از عراق و ایران به یمن یاری کرد. قاضی حتی کتب حدیثی ارزشمندی چون امالی ابوطالب هارونی و امالی مرشد بالله (هر دو از عالمان زیدی) و بسیاری کتب دیگر از این قبیل را به یمن آورد.<sup>۶</sup> قاضی جعفر که در آغاز بر مذهب مطرفیه (یعنی زیدیان هادوی با گرایش معتزلی بغدادی) بود، پس از سفر به عراق و آشنایی با میراث معتزله بهشمی (بصری) و انتقال آنها به یمن از این آثار در جهت رد و انکار مذهب مطرفی و تأیید مذهب مخترعی (یعنی زیدیان هادوی غیر مطرفی) بهره گرفت. وی در سال ۵۵۴ق این آثار را به یمن منتقل نمود.<sup>۸</sup>

زیدیه یمن گاهی برای دانش اندوزی و یا تدریس به عراق و یا ایران و یا نقاط دیگر سفر می کردند و از محضر علمای زیدی و حتی امامی و یاسنی و معتزلی بهره می گرفتند. همین امر موجبات انتقال میراث اسلامی دیگر نقاط جهان اسلام را به یمن فراهم می کرد. در این میان می بایست به عقیف الدین علی بن محمد بن حامد صنعانی اشاره کرد که از ابن مغزالی مؤلف کتاب مناقب و ابن بطریق دانشمند امامی و مؤلف العمده در عراق بهره گرفت. او در واسط ابن بطریق را ملاقات کرد. از طریق او زیدیه یمن با مناقب ابن مغزالی و عمده ابن بطریق آشنا شدند و هم اینک نیز نسخه های این دو کتاب را در اختیار دارند و مناقب ابن مغزالی اساساً بر مبنای نسخه یمنی این کتاب به طبع رسیده است.<sup>۹</sup> امروزه در کتابخانه های یمن و بویژه کتابخانه های حضرموت و زبید و یا حتی در کتابخانه دارالمخطوطات صنعاء (و غربیه) نسخه های خطی بسیار ارزشمندی از کتب تفسیر، تاریخ، فقه و حدیث اهل سنت وجود دارد که در بسیاری موارد کهنه ترین نسخه های موجود این کتابها در دنیا به شمار می آیند. کتب اهل سنت بویژه در عصر ایوبیان و نیز در عصور متأخر وارد یمن شده

است. در همین رابطه گزارشی از ورود کتاب فتح الباری ابن حجر عسقلانی در سال ۹۰۱ ق از مکه به یمن داریم که به کوشش سلطان عامربن عبدالوهاب بوده است.<sup>۱۰</sup>

### کتابخانه های یمن در قرون گذشته

علمای یمن به کتاب و ایجاد کتابخانه ها عنایت قابل ستایشی داشته اند. گفته شده که فقط در کتابخانه شخصی ابونصر بن ابی طالب بن ابی جعفر، فقیه زیدی، ۱۲ هزار جلد کتاب در فنون مختلف بوده است<sup>۱۱</sup>؛ کماینکه در کتابخانه محمد بن احمد بن علی از فقهای زیدی صرفاً ۶۰۰ جلد کتاب زیدی بدیع بوده است.<sup>۱۲</sup> هم اکنون نیز علمای زیدی صنعاء، صعده و ضحیان به صورت سنتی میراث خوار کتابخانه های بسیار ارزشمند و بزرگ خاندان های خود هستند و در یمن، منزل هیچ یک از علما را نمی بینیم مگر آنکه حداقل چند ده نسخه خطی و گاه کهنه و نقیس نداشته باشند.

در میان اهل سنت یمنی نیز وضع چنین بوده است: الملک المؤید هزبر الدین داود بن المظفر یوسف الرسولی شافعی مذهب بیش از صد هزار کتاب جمع کرده بود و نزد او بیش از ده ناسخ به استنساخ و نسخه برداری از کتب مشغول بودند و این نسخه ها مقابله و تحریر می شد.<sup>۱۳</sup>

اما به هر حال در فراز و نشیب تاریخ یمن و به ویژه در عصر جدید، ما شاهد هجرت کتاب از سرزمین یمن هستیم: بخشی توسط شرق شناسان و تجار به اروپا رفت و بخشی دیگر پس از اشغال یمن توسط حکومت عثمانی سر از سرزمین عثمانی (ترکیه) درآورد و بخشی دیگر نیز همراه با دعوت اسماعیلی به هند رفت. مهمترین نقاطی از اروپا که کتب یمنی را پذیرا شد، یکی ایتالیا بود و دیگری آلمان. در ایتالیا باید از مجموعه ۱۶۱۰ جلد کتاب کابرتی، تاجر ایتالیایی یاد کرد و نیز از مجموعه بلترامی (در سال ۱۹۱۴ م) که این یکی شامل ۱۸۰ جلد کتاب بود و توسط او به کتابخانه امپروزیانا منتقل شد. این کتابخانه که در شهر میلان ایتالیا واقع است، در سال ۱۹۱۹ م، شامل ۱۷۹۰ مجلد کتاب خطی یمنی بود که مجموعاً ۵۶۰۰ کتاب در علوم گوناگون را در خود داشت. گریفینی تعداد ۴۷۵ نسخه خطی یمنی این کتابخانه را فهرست کرد؛ کماینکه صلاح الدین المنجد، تعداد ۲۰۰ نسخه خطی آن را فهرست کرده است (بخش د- D). در واقع باید گفت که مجموعه امپروزیانا بزرگترین مجموعه مخطوطات یمنی موجود در کتابخانه های اروپا و آمریکا است.

گلازر آلمانی نیز که در فاصله سالهای ۱۸۸۲ تا ۱۸۹۴ م چهار سفر به یمن داشت، تعداد ۲۵۰ نسخه خطی زیدی را با خود همراه کرد که همگی در کتابخانه برلین نگهداری می‌شود. آوارت یک فهرست مستقل برای این کتابها تهیه کرد که در سال ۱۸۸۷ م در برلین به چاپ رسید؛ کما اینکه در فهرست عمومی کتابخانه که توسط خود وی نیز تهیه شده و به چاپ رسیده، این کتابها به ثبت رسیده است.

در کتابخانه عمومی وین نیز حدود ۱۵۰ نسخه خطی یمنی موجود است. در کتابخانه ملی پاریس نیز نسخ بسیاری از مخطوطات یمنی سنی موجود است که به عصر عثمانی باز می‌گردد. مجموعه سفر (که به کتابخانه ملی پاریس ملحق شده است) نیز شامل تعداد قابل توجهی از مخطوطات یمنی است.

می‌دانیم که در کتابخانه موزه بریتانیا نیز تعداد قابل توجهی مخطوطات یمنی موجود است که حسین عبدالله العمری برای آن فهرست مستقل تهیه کرده است: مصادر التراث الیمنی فی المتحف البریطانی (چاپ دارالمختار، ۱۹۸۰ م). همچنین در کتابخانه‌های واتیکان، کمبریج، لیدن، دانشگاه ییل آمریکا و برخی کتابخانه‌های شوروی سابق نیز نسخ خطی یمن را می‌توانیم مشاهده کنیم.

در فاصله سالهای ۱۵۳۸ تا ۱۹۱۹ م که یمن تحت سیطره حکومت عثمانی بود، چنانکه گذشت، کتابهای بسیاری از یمن به پایتخت عثمانی منتقل شد. هم‌اکنون در کتابخانه‌های ایاصوفیا، کوپریلی، اسعدافندی، احمد ثالث، سلیمانیه و... نسخه‌های یمنی مشاهده می‌شود، ولی بی تردید بزرگترین این مجموعه‌ها در کتابخانه علی امیری استانبول موجود است.<sup>۱۴</sup>

### نسخه‌های اسماعیلی

در مورد نسخه‌های خطی اسماعیلیه در یمن باید گفت که با توجه به اینکه یمن یکی از مراکز تولید فکر و اندیشه اسماعیلی از قرون نخستین قمری بوده است، طبیعی است که عالمان یمنی بسیاری را شناسایی کنیم که دارای آثار اسماعیلی باشند. در دوره دعوت فاطمی پیش از عصر صلیحی در یمن، یعنی در دوره ابن حوشب و داعیان فاطمی پس از او و همچنین در عصر ظهور علی بن محمد صلیحی و اخلاق او ما با ادبیات قابل توجهی از اسماعیلیه در زمینه‌های گوناگون و از جمله عقاید فلسفی و کلامی آنان روبرو می‌شویم. یک شخصیت بسیار برجسته در این زمینه قاضی لَمک بن مالک الحمادی بود که گویا از قضات ذی جبلة و

اب یمن بوده است؛ گو اینکه او به عنوان «قاضی قضاة الیمن و هادی دعواتها» نیز خوانده شده است.<sup>۱۵</sup> وی در سال ۴۵۴ ق از سوی داعی علی بن محمد صلیحی برای انجام مأموریت در رأس یک گروه از یمن به دربار خلیفه المستنصر فاطمی (در قاهره) رفت. وی به عللی برای چند سال در قاهره در دارالعلم فاطمیان و نزد داعی الدعاة المؤید فی الدین هیة الله شیرازی سکنی گزید و نزد او دانش آموخت. در مدت اقامت پنج ساله در قاهره، وی توانست با علوم فاطمیان آشنایی حاصل نماید و در وقت بازگشت از یمن، بویژه آثار و اندیشه المؤید فی الدین و دیگر دعوات فاطمی را به یمن منتقل کند. مجموعه فرامین مستنصری به وجود روابط میان مؤید فی الدین و دعوت اسماعیلی یمن اشاره می‌کند (بویژه فرامین ۵۵ و ۶۱). دعوت اسماعیلی یمن المؤید شیرازی را به عنوان پدر معنوی خود می‌شناسد. آثار المؤید پس از درگذشت او به سال ۴۷۰ ق (در قاهره) در یمن از اهمیت قابل توجهی برخوردار بود و آنان او را «سیدنا المؤید» می‌شمردند. در آثار دعوات و نویسندگان اسماعیلی یمنی نام و ذکر المؤید بسیار آمده است و از جمله در کتاب کنز الودد حامدی (انتشار توسط مصطفی غالب، بیروت، ۱۹۷۱ م). با توجه به بحرانهای عصر المستنصر فاطمی به ویژه در عصر الموید فی الدین شیرازی و در دوره «الشدّة المستنصریة»<sup>۱۶</sup>، طبیعی است که المؤید می‌کوشیده است که میراث گرانبهای فاطمیان را تا آنجا که ممکن است به جایی دیگر منتقل کند و در این میان، یمن با توجه به انتشار دعوت اسماعیلی و حکومت صلیحیان مکان مناسبی برای چنین چیزهایی بود. به هر حال، مؤید آخرین نماینده دعوت فاطمی بود که نفوذشان به خارج مصر نیز می‌رسید.<sup>۱۷</sup> پس از انقسام دعوت اسماعیلی به نزاری و مستعلوی، یمن جانب مذهب مستعلوی و دعوت فاطمی مصر را گرفت و حتی یمن بر دعوت اسماعیلی مستعلوی گجرات نیز اشراف داشت. یمن البته پس از وفات خلیفه الامر (د ۵۲۴ ق)، از خلیفه الحافظ (مصر) جانبداری نکرد و جانب الطیب را گرفت و امامت طیبی را پذیرا شد. البته در این دوره، دعوت طیبی ناچاراً وارد دوره ستر گردید و دیگر بار اسماعیلیان دوره ستر را تجربه کردند. از این دوره به بعد دعوات اسماعیلی طیبی در یمن دعوت اسماعیلی را رهبری می‌کردند: دعوات مطلق.<sup>۱۸</sup> این دعوات مطلق و دیگر نویسندگان اسماعیلی دیگر در یمن از خود ادبیات مهمی بر جای گذاشتند. دعوت اسماعیلی پس از این دوره با توجه به از دست دادن موقعیت سیاسی پیشین خود و سختگیریهای حکومت‌های سنی، در تنگنا قرار داشت و از اینرو ادبیات آنان و

میراث اسلاف ایشان گاهی در موضع تلف و نابودی قرار می گرفت. از جمله در سال ۹۰۲ ق، سلطان عامر بن عبدالوهاب طاهری، دستور داد تا رئیس اسماعیلیه (داعی بیستم حسن بن ادریس) را در شهر تعز گرفتار سازند و کتب او و پدرش داعی ادریس معروف (د ۸۷۳ ق) را از میان ببرند.<sup>۱۹</sup> اسماعیلیان ناچار شدند که با کتابهای خود به سوی هند که آنجا نیز از مراکز بهره بود، هجرت کنند. بویژه در گجرات که بعدها در آنجا حضوری قوی داشتند، اسماعیلیان طیبی یمن، میراث خود را منتقل کردند. بویژه پس از فتح اول عثمانی در یمن به سال ۹۴۴ ق، اسماعیلیان ترجیح دادند برخی آثار خود را به هند منقل کنند و این چنین شد که بخشی از میراث اسماعیلی یمن به گجرات در ساحل غربی هند منتقل شد. البته اسماعیلیان طیبی پس از انقسام به داودی (در هند) و سلیمانی (در یمن) در سال ۹۹۹ ق همچنان در یمن حضور دارند. به هر حال در کنار منابع اسماعیلی، گاه دیگر مخطوطات یمنی نیز به هند رفته است.<sup>۲۰</sup>

\* \* \*

نسخه های خطی یمن یا همواره دستخوش تلف و نابودی بوده است و یا اینکه به دلایل سیاسی، اقتصادی و مذهبی به نقاط دیگر منتقل شده است. حتی سفیر اسبق سعودی در یمن، محمد بن عبدالرحمان العُبیکان مجموعه ای نفیس از مخطوطات یمنی را از آنجا به سعودی منتقل کرده بود که فهرست کتابخانه شخصی وی در سال ۱۳۹۰ ق در ریاض به چاپ رسیده است.

از سوی دیگر عوامل طبیعی نیز در از میان رفتن نسخه های خطی یمنی مؤثر است. چنانکه گفته شده که فی المثل کتابخانه مهم محمد حیدر تهامی یمنی (در شهر ابوعریش در مخلاف سلیمانی)، هنگام اشغال این منطقه از سوی عربستان سعودی در جنگی که میان امام یحیی و ملک عبدالعزیز صورت گرفته، همگی در آتش سوخت.<sup>۲۱</sup> به نظر می رسد برای بهره وری از مخطوطات یمنی و میراث گرانبهایی که در این کشور باستانی وجود دارد، می بایست دو کار عمده به صورت جدی دنبال شود: یکی شناسایی نسخ خطی کتابخانه ها و بویژه کتابخانه های شخصی و دیگری عکسبرداری از این نسخه ها.

متأسفانه جز فهرست برخی کتابخانه های عمومی و آن هم به شکل ناقص مانند کتابخانه جامع کبیر (شرقیه) و کتابخانه غربیه آنجا و برخی کتابخانه های خصوصی یمن، تاکنون فهرست کتابخانه های دیگر (چه عمومی و چه خصوصی) به چاپ نرسیده است. البته چنانکه گذشت کوششهایی در این مسیر صورت

پذیرفته است. پیش از هر چیز باید کتابخانه ها و مجموعه های جدیدتری کشف شود، چرا که در یمن بسیاری کسانی که مخطوطات خود را از چشم دیگران دور نگاه می دارند و به دلایل اقتصادی و فقر موجود در یمن به فروش آنها مبادرت می ورزند. عبدالله حبشی و عبدالسلام عباس الوجیه تاکنون فهرست بسیاری از کتابخانه های خصوصی را تهیه کرده اند که تنها بخشی کوچک از این فهرستها به چاپ رسیده است. تحقیقات این دو تن در زمینه شناسایی مؤلفان و دانشمندان زیدی و آثار آنها نیز بسیار حائز اهمیت است. اینجانب در این سفر توانستم مخطوطات ارزشمند بسیاری از کتابخانه های خصوصی و عمومی یمن را شناسایی کنم و امیدوارم که در مقاله ای دیگر برخی از این نسخه ها را معرفی نمایم. در زمینه عکسبرداری از مخطوطات ارزشمند یمن باید چنانکه گذشت به کوششهای کشورهای عرب و از همه مهمتر معهدالمخطوطات العربیه قاهره اشاره کرد. در فاصله دسامبر سال ۱۹۵۱ تا مارس سال ۱۹۵۲ م وزارت آموزش و پرورش مصر یک گروه را برای عکسبرداری از مخطوطات یمن به این کشور اعزام کرد. رئیس این گروه خلیل یحیی نامی و فؤاد سید، کتابشناس نامدار نیز از اعضای این گروه بودند. این گروه بسیاری از نسخه های خطی کتابخانه متوکلیه (منسوب به امام المتوکل علی الله یحیی بن محمد حمید الدین، درگذشته به سال ۱۳۶۷ ق/ ۱۹۴۸ م) را که در ضمن کتابخانه شرقیه جامع کبیر است، عکسبرداری نمودند. این گروه از مجموعه نسخه های خطی امام یحیی نیز آنچه مناسب دیدند، عکسبرداری کردند. در این مجموعه میکروفیلم ها همه گونه کتاب در زمینه های مختلف و بویژه در علم کلام وجود داشت. این گروه حتی از کتب اسماعیلیه نیز چند کتابی را عکسبرداری کردند. نسخه هایی که توسط این گروه عکسبرداری شد، بیشتر از قرون سوم تا ششم قمری بودند. این گروه حتی چندین نسخه خطی از یمن خریداری کردند که از جمله آنها المغنی قاضی عبدالجبار بود. از جمله کتابهای برجسته ای که توسط این هیئت اعزامی، عکسبرداری شد، المغنی قاضی عبدالجبار، المجموع المحیط بالتکلیف ابن متویه، التهذیب فی التفسیر حاکم جشمی، دانشمند برجسته زیدی و معتزلی ایران (د ۴۹۴ ق)، المعتمد فی اصول الفقه ابوالحسین بصری و متشابه القرآن قاضی عبدالجبار بود، که تاکنون همگی این کتابها جز التهذیب به چاپ رسیده است. در ۱۹۶۴ م نیز یک هیئت دیگر این بار به سرپرستی محمداحمد حسین، سرپرست سابق وزارت فرهنگ مصر و با همراهی فؤاد سید برای تصویربرداری از

نسخه‌های خطی یمن راهی آنجا شد. در این سفر که پس از انقلاب یمن صورت پذیرفته بود، مجموعاً ۲۲۵ کتاب عکسبرداری شد که در ضمن آن کتب بسیار نادر و نفیس از مخطوطات معتزلی، زیدی و اسماعیلی وجود داشت. در همین سفر کتابهای عیون الاخبار داعی عمادالدین ادریس بن حسن؛ المصابیح حمید الدین کرمانی، رسائل او؛ المجالس المؤیدیه مؤید فی الدین شیرازی و بسیاری کتابهای دیگر مهم اسماعیلیان از سوی هیئت اعزامی عکسبرداری شد. مجموعه کتب اسماعیلیه که در این سفر تصویر برداری شد، ۵۸ عنوان کتاب بود. فهرست کتابهایی که توسط مصری‌ها از مجموعه مخطوطات یمنی عکسبرداری شده و هم اکنون در دارالکتب قاهره موجود است، در یک فهرست ابتدایی که به چاپ هم رسیده، معرفی شده است (قاهره، ۱۹۶۷ م).<sup>۲۲</sup> افزون بر مصری‌ها، چنانکه در صدر مقاله گذشت شخصیتها، مراکز، نهادها و کشورهای دیگر عربی نیز در عکسبرداری از نسخه‌های خطی یمن همکاری داشته‌اند. مجموعه میکروفیلم‌های یاد شده و نیز میکروفیلم‌هایی که توسط خود یمنی‌ها و مراکز دولتی یمن از نسخه‌های خطی یمن عکسبرداری شده، هم اکنون در دارالمخطوطات صنعاء نگهداری می‌شود، و برای این مجموعه فهرستی نیز تنظیم شده که به چاپ رسیده است (طاووس یمانی). در این مجموعه، بسیاری از نسخه‌های خطی کتابخانه‌های شخصی یمن که هم‌اکنون به اشکال مختلف از میان رفته، عکسبرداری شده است.

نکته قابل توجه در مورد نسخه‌های عکسبرداری شده توسط دو هیئت مصری یاد شده این است که با انتقال این میکروفیلم‌ها به قاهره زمینه برای چاپ و انتشار کتب معتزله که نسخه‌های آن بیشتر در یمن موجود است، فراهم آمد. پیش از آن به دلیل عدم دسترسی و یا عدم شناخت مخطوطات معتزله در سایر کتابخانه‌های جهان، اهتمام کمتری به نشر کتب معتزله وجود داشت، ولی با انتقال این میکروفیلم‌ها و شناخت بهتر محققین جهان اسلام و نیز اسلام‌شناسان غربی نسبت به مخطوطات و ادبیات معتزله، این کتابها مورد عنایت بیشتری قرار گرفت.

چنانکه معتزله شناسان به خوبی می‌دانند در مورد درصد قابل توجهی از کتابهای معتزله تاکنون چاپ شده، باید گفت که تنها منبع نسخه‌های آن یمن بوده است. از این رو یمن ما را با دنیای تفکر خردگرایانه اسلامی قرون میانه آشنا کرد و حتی این مسئله زمینه‌ای را فراهم کرد تا بویژه دنیای عرب از فضای اشعری‌گری و یا سلفی‌گری حاکم بر مصر و برخی دیگر از کشورهای عرب در اوائل قرن بیستم میلادی فاصله گیرد. آشنایی عمیق‌تر جهان عرب با ادبیات معتزله بی‌تردید مرهون میراث گرانبهای یمن و کوشش علمای دانشمند و برجسته زیدی در انتقال این میراث به آیندگان است. امروزه کدام محقق اسلامی است که می‌تواند ادعا کند از مراجعه به کتاب المغنی قاضی عبدالجبار که نسخه آن را در یمن یافتند، بی‌نیاز است. در مقاله‌های دیگر، اگر خداوند توفیق دهد، گوشه‌ای از میراث زبده را معرفی خواهیم کرد. □

#### پی‌نوشت‌ها:

۱. نک: فهرست مخطوطات مکتبه الجامع الکبیر، صنعاء، ۱۴۰۴ ق/ ۱۹۸۴ م، مقدمه جلد اول، ص ۱۲.
۲. نک: فؤاد سرگین، کتابخانه‌ها و مجموعه‌های نسخه‌های خطی عربی در جهان، ترجمه چنگیز پهلوان، تهران، ۱۳۶۶ ش، ص ۱۵۳-۱۶۱.
۳. نک: یحیی بن الحسین، أنباء الزمن فی تاریخ الیمن، برگ ۲۲۹.
۴. نک: مقریزی، الخطط، قاهره، ۱۳۲۶ ق، ۴/ ۱۷۵.
۵. گرچه در این مورد مقاله‌ای مستقل نوشته‌ام ولی عجالتاً در این مورد نک: مقاله من با عنوان: «زبده و چالش حنابله و معتزله»، کتاب ماه (دین)، شماره ۳۶، سال سوم، شماره دوازدهم، ص ۳-۴.
۶. برای شرح احوال او عجالتاً نک: معجم المؤلفین، ۱۳۲/۳؛ نیز نک: GALS, I/699.
۷. نک: یحیی بن الحسین، طبقات الزبده، برگ ۶۴، نسخه عکسی دارالمخطوطات صنعاء.
۸. همان، برگ ۶۴-۶۵.
۹. نک: مقاله من با عنوان «ابن الشریقه و کتاب عیون الحکم و المواعظ»، کتاب ماه (دین)، شماره ۳۵، سال سوم، شماره یازدهم، ص ۱۲-۱۵.
۱۰. العید روس، النور السافر عن اخبار القرن العاشر، به کوشش محمد رشید الصفار، بغداد، ۱۹۳۴ م، ص ۱۶-۱۷؛ ابن عماد، شذرات الذهب، ۲/۸.
۱۱. یحیی بن الحسین، همان، برگ ۵۹.
۱۲. نک: همان، برگ ۴۶.
۱۳. نک: ابن عبدالمجید، بهجت الزمن فی تاریخ الیمن، تحقیق مصطفی حجازی، قاهره، ۱۹۶۵ م، ص ۱۳۳؛ قلقشندی، مآثر الانافه فی معالم الخلافه، به کوشش عبدالستار فراج، کویت، ۱۹۶۴، ۱۲۷/۲؛ ابن حجر، الدرر الكامنه فی اعیان المائده الثامنه، هند، ۱۹۴۵-۱۹۵۰ م،
۱۴. نک: ایمن فؤاد سید، مصادر تاریخ الیمن فی العصر الاسلامی، قاهره، المعهد العلمی الفرنسی للآثار الشرقیه، ۱۹۷۴ م، ص ۴۱-۴۵.
۱۵. نک: ابن سمره، طبقات فقهاء الیمن، به کوشش فؤاد سید، قاهره، ۱۹۵۷ م، ص ۲۳۴؛ مورد دوم را نویسندگان اسماعیلی متذکر شده‌اند: حاتم بن ابراهیم حامدی (د ۵۹۶ ق)، «تحفة القلوب و ترتیب الهدایه و الدعاه فی الجزیره الیمنیه»، بخشی از آن ضمن کتاب الارزهار حسن بن نوح، منتشر شده توسط استرن، در Oriens، جلد ۱۷، ۱۹۵۱ م، ص ۲۳۴-۲۳۵. این کتاب از مآخذ عیون الاخبار داعی ادریس عمادالدین نیز بوده است و نسخه آن هم اکنون موجود است.
۱۶. نک: ابن میسر، المنتقی من اخبار مصر، به کوشش ایمن فؤاد سید، قاهره، ۱۹۸۱ م، ص ۲۴-۲۶.
۱۷. نک: Hamdani, H., "Some unknown Ismaili: ۱۰۰/۲

Authors and their Works", JRAS, (1933), pp.362, 376, 377;  
 حسین الهمدانی، الصلیحیون و الحركة الفاطمیة فی الیمن، قاهره، ۱۹۵۵ م، ص ۱۷۷-۱۷۹.  
 ۱۸. نک: Fyze, A. A. A., "A chronological list of the Imams and Da'is of the Musta'lian Ismailis", JBBRAS, 10 (1934), pp. 11-13  
 همچنین باید گفت که دعوت طیبی یمن به حمیدالدین کرمانی، نویسنده اسماعیلی برجسته

ایرانی اهمیت بسیار می داد و از طریق یمن ما با آثار او آشنایی داریم. اندیشه فلسفی او را طیبیان گسترش دادند؛ نک: پل ای. واکر، حمیدالدین کرمانی، ترجمه فریدون بدره ای، تهران، ۱۳۷۹ ش، ص ۳۶.  
 ۱۹. نک: عیدروس، النور السافر، ۲۱-۲۲؛ وی به غلط نام داعی را سلیمان بن حسن خوانده است؛ ایمن فؤاد سید، منبع پیشگفته، ص ۴۶. درباره انتقال کتب اسماعیلیه مصر به یمن و از آنجا به هند؛ نیز نک: فرهاد دفتری، افسانه های

حشاشین، ترجمه فریدون بدره ای، تهران، ۱۳۷۶ ش، ص ۵۰.  
 ۲۰. نک: محمد زبارة، ائمة الیمن بالقرن الرابع عشر للهجرة، قاهره، المطبعة السلفية، ۱۳۷۶ ق، ۳/ ۱۱۹؛ محمد بن صدیق، اجدد العلوم، چاپ سنگی ۱۲۹۵ ق، هویال، ۸۸۷/۳.  
 ۲۱. ایمن فؤاد سید، منبع پیشگفته، ص ۴۸.  
 ۲۲. نک: ایمن فؤاد سید، کتاب پیشگفته، ص ۴۱۹-۴۲۳.



تازه های مجلات  
 درباره متون



\* در مجله کتاب ماه دین در شماره ۳۸ و ۳۹، مقاله ای درباره ابوالقاسم بستی و کتاب المراتب به قلم حسن انصاری قمی به چاپ رسیده است. ابوالقاسم اسماعیل بن احمد بستی جیلی مؤلف و از علما زیدی و معتزلی مذهب اواخر قرن چهارم و اوایل قرن پنجم قمری از جمله متکلمان معتزلی است که به موضوع اثبات برتری حضرت امیر (ع) بر جمیع صحابه به طور مستقل پرداخته و کتابی تدوین کرده است. او در تألیف خود نه با دیدگاهی معتزلی و مبتنی بر امامت مفضول بلکه با دیدگاهی زیدی به مسئله نگرسته است.

شاهنامه تألیف پرویز اتابکی به قلم ایرج مهرکی و فرهنگ های تخصصی، گامی در راه شناخت بهتر متون که مطلب دیگری است در باب نقد و بررسی واژه نامه شاهنامه پرویز اتابکی نوشته سجاد آیدنلو از جمله مقالات و تحقیقات مربوط به میراث مکتوب در این شماره مجله است.

\* فصلنامه علمی و تخصصی علوم حدیث وابسته به دانشکده علوم حدیث به مدیر مسئولی محمد محمدی نیک (ری شهری) شماره سوم از سال ۵ در پاییز ۷۹ منتشر شد که در باب نسخ خطی و میراث مکتوب در حوزه حدیث به مقالات ذیل اشاره می شود:

الأصول الاربعه (اصول چهارصدگانه) اتان کلبک ترجمه محمد کاظم رحمتی. این مقاله درباره هویت و میزان بازمانده از اصول اربعه گانه گفتگو می کند و حول گفتار برخی عالمان شیعی در باب این اصول به واحدی می پردازد؛ جالب توجه است که اندکی پیش از نشر ترجمه مقاله کلبک ترجمه نک نگاری استاد جلالی حسینی هم در این باب در مجله حوزه اصفهان شماره ۳ (به قلم جويا جهانبخش) منتشر شد. این دو مقاله بر سر هم حاوی مبسوط ترین اطلاعات موجود در زبان فارسی درباره اصول اربعه گانه است.

در این شماره همچنین ترجمه تازه صحیفه سجادیه به قلم محمد مهدی فولادوند که در ماه رمضان سال ۷۹ انتشار یافته توسط جبرئیل شادان به نقد کشیده شده است.

\* در کتاب ماه ادبیات شماره ۳۸ مطلبی از سید فرید قاسمی درباره سیر نشریات نقد و کتاب در ایران درج شده است که وی مطالب مهمی در این باب ارائه کرده است در این شماره همچنین میزگردی درباره علی (ع) در آینه شعر، با حضور آقایان محمد خانی، دکتر عابدی، دکتر امامی، سید عرب، رحمانی، اشک شیرین برگزار شد که در آن کتب شرح دیوان منسوب به امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب (ع)، کلمات علیه غرا و برخی از تفاسیر نهج البلاغه مورد بررسی قرار گرفت. نقد و معرفی دیوان میر رضی دانش مشهد متوفی بعد از ۱۰۸۳ ه. ق که از شاعران مشهور سبک هندی است به تصحیح محمد قهرمان از دیگر مطالب این مجله است که توسط دکتر علیرضا ذکاوتی قراگولو نوشته شده است. نقد ادبی و تدریس متون ادب فارسی نوشته مریم حسینی، فرهنگ شاهنامه در نقد واژه نامه